

ترانه‌های روستایی ایران

گردآورنده: اکبر رضی پور

سرشناسه	: مرتضی پور، اکبر، ۱۳۲۳-گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: ترانه‌های روستایی ایران / گردآورنده اکبر مرتضی پور.
مشخصات نشر	: تهران: عطار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۴۰۸ ص.؛ ۱۷×۱۱ س.م.
شابک	: 978-964-6210-63-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: شعر عامه فارسی -- ایران -- مجموعه‌ها
موضوع	: Folk poetry, Persian -- Iran -- Collections
موضوع	: دوبیتی‌ها
موضوع	: Couplets
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ق ۴م/۳۹۸۹ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۹۰/۰۱۰۸
شماره کتابخانه ملی	: ۴۴۸۳۶۳۹



انتشارات عطار - تهران - خیابان انقلاب - خیابان اردیبهشت

تلفن ۶۶۹۶۴۲۳۷ - فاکس ۶۶۴۰۹۳۲۳

ترانه‌های روستایی ایران

گردآورنده: اکبر مرتضی پور

چاپ اول: ۱۳۹۶ تهران

چاپ: چاپخانه مهدی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

حروف چینی و صفحه آرا: شانیان

شابک: ۹ - ۶۳ - ۶۲۱۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 6210 - 63 - 9

فهرست

مقدمه	۵
ترانه‌های روستایی ایران	۹
دوبیتی‌ها	۱۴۸
ترانه‌های باباطاهر عریان	۱۷۵
ترانه‌های فایز دشتستانی	۲۶۹
ترانه‌های حسینا	۳۷۳
ترانه‌های لالایی	۳۸۳

مقدمه

روستازاده‌ای بیست و نه ساله، در سال ۱۳۲۳ در روستای کوهبنان واقع در استان کرمان به دنیا آمدم. پدر و مادرم بیسواد بودند اگرچه در آن روستا اکثراً بیسواد بودند و یا کمی خواندن و نوشتن می‌دانستند. شغل پدرم کشاورزی و دامداری بود و پدرم کشاورز آقای سید محمدعلی صدر (کلانتر) بودند که در تهران زندگی می‌کردند و تابستان‌ها به کوهبنان می‌آمدند راه تبریز و سرزدن به املاک و تحویل محصولات خود. من که هفت سال داشتم روزی آقای صدر به پدرم گفتند که اکبر کلاس چشم است. پدرم گفتند مدرسه نمی‌رود و ایشان خیلی ناراحت شدند و گفتند که او را بفرست مدرسه که در همان روز آقای حیدر اکبری که رئیس فرهنگ کوهبنان بودند به میهمانی آقای صدر آمدند و ایشان فرمودند که مرا در مدرسه کلاس اول ثبت‌نام کنند و آقای اکبری هم قبول کردند و من در آن سال به مدرسه رفتم و هر سال با این‌که

کمک پدرم کارهای کشاورزی و چوپانی انجام می‌دادم با نمره خوب قبول می‌شدم، برای این‌که گوسفندان را که به چرا می‌بردیم کتاب‌های خود را هم با خود می‌بردیم و می‌خواندیم. وقتی که تصدیق کلاس ششم را گرفتم پدرم می‌خواست مرا بفرستد حوزه علمیه بزد که آخوند بشوم. آقای صدر گفتند که اکبر بچه باهوشی است و چون کلاس هفتم و هشتم هم در کوهبنان هست و دو سال دیگر هم می‌تواند در کوهبنان درس بخواند و بعد هم او را بفرستد کرمان من فریبدم آقای سیدمحمدجواد و ایشان کمک می‌کنند که درسش را بخواند. چنین شد و من تا کلاس هشتم در کوهبنان درس خواندم و یک سال هم در کرمان در منزل آقای سیدمحمدجواد صدر به درس ادامه دادم و تصدیق کلاس نهم را گرفتم. بعد از گرفتن تصدیق نهم به علت فقر مالی پدرم دیگر نتوانستم ادامه تحصیل بدهم و پدرم مرا فرستادند تهران نزد آقای صدر و ایشان هم مرا معرفی کردند به کتابخانه سنن سخن واقع در خیابان نادری که صاحب آن آقای صنعتی‌زاده کرمانی بودند و کتاب‌های مجله سنن را که مربوط به آقای دکتر پرویز گلشنی بود می‌فروختند که من در آنجا هم کار می‌کردم و هم شبانه درس می‌خواندم و دیپلم ادبی خود را گرفتم. از موقعی که به تهران آمدم تاکنون پنجاه و پنج سال می‌گذرد که به کار کتابفروشی مشغول هستم. البته در کتابفروشی‌های مختلف که آخرین جای آن

انتشارات عطار می‌باشد که مربوط به خودم است و در مدت پنجاه و پنج سال کتابفروشی مرتب کتاب مطالعه نموده و نتیجه آن چهل عنوان کتاب می‌باشد که نوشته یا جمع‌آوری نموده‌ام که چاپ و منتشر شده است.

دلیل گردآوری کتاب ترانه‌های روستایی ایران این است که اولاً خردم روستایی هستم و درد و رنج مردم روستا را کشیده‌ام و ترانه‌های روستایی را خیلی دوست می‌دارم. برای این که هر بیت آن کلی مفهوم و معنی و درددل دارد از غریبی، عاشقی، فراق، بی‌وفایی، سرگردانی، ظلم و ستم و...

موقعی که من با پدرم کارهای کشاورزی انجام می‌دادیم پدرم همیشه شعرهایی می‌خواند که من در آن موقع معنی آن را نمی‌دانستم مانند:

اگر دستم رسد بر چرخ گردون

از او پرسم که این چه دلدست و آن چون

یکی را می‌دهی صد ناز و نعمت

یکی را لقمه نان آغشته در خون

حالا که کمی سواد یاد گرفتم می‌دانم که مربوط به ظلم‌هایی بوده که حاکمان و سرمایه‌داران و اربابان به کشاورزان و سایر اقشار جامعه می‌کردند و حق آن‌ها را پایمال می‌نمودند و پدرم با خدا راز و نیاز می‌کرده و شکایت به خداوند می‌نموده و یا می‌گفت:

مرا نه سر نه سامان آفریدند

پریشانم پریشان آفریدند

پریشان خاطرون رفتند در خاک

مرا از خاک ایشون آفریدند

که همه از فقر و تنگدستی می‌باشد چون در روستاها کارها
سخت و طاقت‌فرسا می‌باشد و درآمد آن ناچیز که جوابگوی هزینه
زندگی آن‌ها را نمی‌دهد، برای همین است که روستاها از سکنه
خالی و مردم آن روانه شهرها می‌شوند و به جای تولیدکننده
مصرف‌کننده از مناسبت یکی از آن‌ها می‌باشم.

اکبر مرتضی پور کوهبنانی